

جنبش کارگری ایران

در سه ماه سوم ۱۴۰۰

ابراهیم پاینده / دیماه ۱۴۰۰

ارزیابی و بهره برداری دولت سرمایه نیز قرار می گیرد. هر چند هستند کارگرانی در میان همین توده انبوه که خواهان رهایی از قید و بند های انجمن های صنفی!! اند اما زور آزمایشی آن ها به نتیجه مطلوبی نرسیده است. استیلای فرهنگ و شعور سندیکالیستی انجمن های معلمان جنبش کارگران این حوزه سرمایه رازمین گیر کرده بطوری که آن ها به سراغ توده های میلیونی خانواده های دانش آموزان و از آن مهمتر انبوه دانش آموزان برای ایجاد یک حرکت طبقاتی کارگری در به چالش کشیدن دولت سرمایه، وادار کردن آن به عقب نشینی نرفته اند و سرانجام بنیانگذاری بدعتی سرمایه ستیز در جهت شکل گیری شوراهای خود انگیخته ضد سرمایه داری را عقیم و سترون کرده است. اعتصاب سه روزه کارگران حوزه آموزش دولت سرمایه در بیش از صد شهر بی هیچ نتیجه پایان یافت و آنقدر بی مایه ضد سرمایه ای بود که دولت سرمایه همراه با مجلس با یک قلم خط بطلان بر همه خواست های این کارگران کشید. معلمان همواره می بایست حرکتی جمعی کنند، شیوه کار و تقسیم کار اجتماعی برای این گروه

سه ماه سوم امسال جنبش کارگری ایران با ۴۸۰ حرکت کارگری شامل اعتراضات و اعتصاب حدودا در سطح سال پیش همین دوره (با ۴۹۲ حرکت) بود اما به حد اعتراضات سه ماه دوم با ۵۵۶ و ۵۵ درصد اعتصاب نرسید. یک تفاوت بارز و مهم این دوره بخصوص در آذر ماه امسال، رشد کمی بی نظیر در اعتراضات و اعتصاب کارگران حوزه آموزش سرمایه (معلمان) علیه سرمایه نسبت به دوره های مشابه سال های اخیر بوده است. اعتصاب سه روزه این کارگران هرچند در ابتدا در برخی مدارس در هر شهر در اعتراض به سطح نازل دستمزد و نبود آینده ای برای فروش نیروی کار کم کم به جمع شدن در سطح شهر بود و توجه توده های دیگر کارگری را بخود جلب نمود اما همچون سال های اخیر از بنمایه ضد سرمایه داری و رادیکالیسم کارگری تهی بود. اگر مبارزه روزمره کارگران ایران در شکل ظاهر خود دنباله رو و تابع سندیکا سازان و حزب آفرینان سوسیال رفرمیستی نیست اما تابعیت از فرهنگ و شعور سندیکالیستی، انجمن گرایی سکتاریستی صنفی در حرکت بخش مهمی از توده میلیونی معلمان بخوبی نمایان است و مورد

کارگران شرایطی ایجاد کرده که هنگام اعتراض به شرایط کار، دستمزدهای نازل، فقر و بی سرپناهی و همه آن چه سرمایه و دولتش بر زندگی آن ها هوار کرده از محدوده واحد کاری یعنی مدرسه بیرون آیند و جمعی دست به اعتراض زنند. این مزیت بزرگی است اما هیچ گاه به اهرمی در دستان این بخش از کارگران علیه دولت سرمایه مبدل نگردیده. دلایل آن روشن است. اول این که آن ها خود را از بدنه کارگری و کل طبقه کارگر به دلایل واهی طبقه متوسط، «کارگران و معلمان!» جدا کرده اند. دوم قراردادهای تنظیم شده توسط ارگان ها، سازمان ها و دستگاه بوروکراتیک سرمایه داری آنان را به تکه های جدا از هم تبدیل نموده و با وجودی که دردها یکسانند، دشمن طبقاتی یکی است و یکپارچه اما هر دسته از این توده انبوه، ساز خود را می زند. حتی در تجمعات خود سرایداران مدارس را راه نمی دهند و هیچ قدمی در جهت یکپارچه نمودن قدرت طبقاتی بر نمی دارند. علاوه بر این کارگران بخش ها و حوزه های دیگر سرمایه در همین یک ماه در واحد هایی که در پی می آید: کارگران معدن کرومیت آسمینون منوجان، شرکت حفاری گلوبال پتروتک کیش، فصلی مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، ایران خودرو تبریز، پتروشیمی فجر انرژی خلیج فارس، معدن چناره اندیمشک، شرکت لاستیک دنا شیراز، پتروشیمی آبادان، پیمانکاری های شریفی و باقرپور در پتروشیمی آپادانا، شرکت های آهن آجین، زحل، نوآوران و مبین ورزقان، پتروشیمی مبین در پارس

جنوبی، شرکت پتروشیمی تخت جمشید بندر ماهشهر، اداره آب و فاضلاب ایذه، پتروشیمی فارابی خوزستان، سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، رانندگان جرثقیل های در پتروشیمی دماوند، شرکت کشتی سازی پرشیا هرمز، اداره آبفا اهواز، ابنیه فنی راه آهن لرستان، کارخانه عظیم خودرو خرم آباد، شرکت معدنی آهن طوس در منطقه سنگان خواف، شرکت پتروشیمی رجال ماهشهر، کارخانه فولاد یاسوج، رانندگان واحد حمل و نقل پالایشگاه فجر جم، مخابرات راه دور شیراز، کارگران شرکتی و جمعی شرکت های توزیع برق کشور، شرکت آی جی سی عسلویه، قطار شهری تهران، کارخانه روی بندرعباس، شرکت سیمان خوزستان، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، شرکت خدمات دریایی سینا بندر خمینی، کارخانه آهن و فولاد لوشان، شرکت بهره برداری گچساران، شرکت نفت و گاز پارس جنوبی عسلویه، کارگران چندین شهرداری، کادر درمانی بیمارستان ها و چند دانشگاه علوم پزشکی و گروه های مختلف بازنشستگان و غیره در اعتراض به سطح نازل دستمزدها، عدم پرداخت دستمزدهای معوقه از جانب سرمایه داران و مدیران سرمایه و نبود امنیت شغلی دست به اعتراض و اعتصاب در محدوده چهاردیواری محل کارشان زدند و همچنان نظیر گذشته یکدیگر را جستجو نکردند. انبوه کارگران واحد های فوق گویا فراموش کرده اند به یک طبقه تعلق دارند، نیرویی واحد اند که کل طبقه سرمایه دار اعم از مدیران دولتی آن تا سرمایه داران خصوصی همواره در

طبقه ما اعمال می کند. انتظار از چنین دستگاه مخوف، آدم کش ساخته شده جهت تبدیل هر شریان خون ما به رود سود سرمایه، خام فکری، خود فریبی و بدور از هر بیداری و آگاهی طبقاتی کارگری است. ما قدرت سرمایه را فقط و فقط با قدرت متشکل، متحد، شورائی و ضد سرمایه داری طبقه خود می توانیم به چالش کشیم، عقب برانیم و از پای درآوریم.

پروسه بازتولید رابطه خرید و فروش نیروی کار حاصل استثمار نیروی کار را به سود های نجومی انباشت هر چه انبوه تر تبدیل می کنند. همین انبوه سود چشمه لایزال قدرت مخوف دولت سرمایه است. دستگاه عریض و طویل سرکوب، بورکراسی خفه کننده و مرعوب کننده ماست. سرمایه همه این قدرت ها را برای دفاع از هر ریال سود افزون تر خود علیه ما، علیه همه توده های

